

خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام خوسفی در گستره‌ی حماسه‌های دینی و تاریخی

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۶

فاطمه بیدختی^۱

مرادعلی واعظی^۲

چکیده

حماسه یکی از انواع ادبی است؛ تعریف و ویژگی‌های خاص دارد و از دیدگاه‌های مختلف به انواعی چند تقسیم شده است. بر طبق یکی از تقسیم‌بندی‌ها، حماسه‌های تاریخی و دینی از انواع حماسه‌اند. این حماسه‌ها مولود طبیعی شرایط اجتماعی و فکری حاکم بر دوره‌های خاص تاریخی هستند. در این مقاله ضمن معرفی اجمالی حماسه‌های تاریخی و دینی، با محوریت خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام خوسفی که از موفق‌ترین حماسه‌های دینی است، به تبیین ویژگی‌های حماسه‌های دینی پرداخته شده است و با تطبیق ویژگی‌های ساختاری خاوران‌نامه با ویژگی‌هایی که برای حماسه برشمرده‌اند، بر اهمیت جایگاه ادبی این حماسه‌ی بزرگ دینی، در گستره‌ی حماسه‌های دینی و تاریخی تأکید شده است.

واژگان کلیدی: حماسه، حماسه‌ی تاریخی، حماسه‌ی دینی، خاوران‌نامه، ابن‌حسام

خوسفی.

fbidokhti@yahoo.com

۱. مدرس دانشگاه فرهنگیان امام سجاد (ع) بیرجند. نویسنده مسؤؤل.

۲. استادیار گروه ادبیات دانشگاه بیرجند

مقدمه

اغلب، شنیدن واژه‌ی "حماسه"، کتاب‌هایی از نوع شاهنامه‌ی فردوسی را در اذهان تداعی می‌کند و پذیرفتن این که کتاب‌هایی چون "خاوران نامه" هم زیر مجموعه‌ی نوع ادبی - حماسی است، برای بسیاری از افراد دشوار است؛ چراکه شخصیت محوری این گونه آثار شخصیتی واقعی، تاریخی و دینی است. لذا در این مقاله، سعی بر این است که در وهله‌ی اول حماسه‌ی دینی تبیین شود، سپس به شیوه‌ی تحلیل محتوا و از طریق تطبیق ویژگی‌های حماسه با خاوران‌نامه، جایگاه حماسی این اثر، بهتر روشن شود. ابتدا به تعریف کوتاهی از حماسه و انواع آن می‌پردازیم تا زمینه‌ای شود برای پاسخ گفتن به مسأله اصلی این تحقیق.

حماسه در لغت به معنای دلآوری و شجاعت است و از قدیمی‌ترین و مهیج‌ترین انواع ادبی است. «در اصطلاح، نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد» (صفا، ۱۳۶۹: ۳).

در حماسه، تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته است. اما همان‌طور که فردوسی در این ابیات می‌گوید، خواننده باید از سطح افسانه‌ای آن بگذرد و به ژرف ساخت و حقیقت آن برسد:

تو این را دروغ و فسانه‌مدان به یک‌سان روش در زمانه‌مدان
از او هرچه اندر خورد با خرد دیگر بر ره رمنز معنی برد

(فردوسی، ۱۳۶۹: ۹)

برای حماسه ویژگی‌هایی برشمرده‌اند و حماسه را از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ از یک دیدگاه حماسه‌ها را به دو دسته‌ی طبیعی و مصنوع تقسیم می‌کنند و از چشم اندازی دیگر، به حماسه‌های اساطیری و پهلوانی، حماسه‌های عرفانی و حماسه‌های دینی تقسیم کرده‌اند (شمیسا، ۱۳۷۴: ۵۲-۵۴) که حماسه دینی از نوع حماسه‌ی مصنوع شمرده می‌شود.

۱. ر.ک. به: کتاب‌های انواع ادبی؛ مثلاً انواع ادبی سیروس شمیسا، انواع ادبی حسین رزمجو، انواع ادبی محمد عبادیان و نیز حماسه سرایی در ایران ذبیح الله صفا.

در اینجا توضیح این نکته ضروری است که حماسه در هر صورت، چه فلسفی باشد چه عرفانی و چه اساطیری، باید همواره در بافتی از شهسواری‌ها و بهادری‌ها و خطر کردن‌ها ارائه شود. به عبارت دیگر، دل به دریا زدن‌ها و تن به خطر سپردن‌ها، مشخصه اصلی حماسه است.

از دیگر خصوصیات کلی حماسه می‌توان به شکل‌گیری آن بعد از یک دوره نقل شفاهی، مبهم بودن زمان و مکان در اثر، تعلق زمان حماسه به لحظات تکوین یک جامعه و مبارزه برای آن و وجود یک هسته‌ی تاریخی که با لعاب پر رنگ افسانه و اسطوره پوشیده می‌شود، اشاره کرد. در ایران حماسه‌های طبیعی به صورت روایات شفاهی از گذشته‌های دور بین مردم رواج داشت؛ خدای نامک‌ها و شاهنامه‌های منثور؛ بعدها این روایات، به ضرورت تاریخ به صورت مکتوب درآمد است.

قرن چهارم و پنجم دوران سرودن حماسه‌های ملی است چون «ملیت ایرانی در معرض خطر بوده؛ مثلاً فردوسی با پدید آوردن شاهنامه قومیت ایرانی را تثبیت کرده است (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۶۴).

حماسه‌ی تاریخی

از هجوم مغول به ایران (۶۱۶ ق.) تا ایلغارهای تیمور، دورانی پرآشوب و ویرانگر در تاریخ ایران اتفاق افتاد؛ ایرانیان در این دوران بیش از تمام تاریخ گذشته خود، رنج بردند و بسیاری از آثار نامطلوب سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این دوران، در ناخودآگاه جمعی آنان، اثری عمیق و جانکاه به‌جای گذاشت ... تفکر صوفیانه که از اولین نتایج نومیدی‌های مردم در روزگار مغول بود، رواج یافت... و همه این مسائل با از دست رفتن استقلال و وحدت ملی ایران که با شکست غرور و امید به آینده، بدبینی و ضعف و از بین رفتن اعتماد به نفس ملی همراه بود و...، سبب شد که شعر حماسی نیز کاملاً رنگ باخته و متروک گردد و با حمله مغول یکباره به دست نیستی سپرده شود و طبعاً از اوایل قرن هفتم تا روی کار آمدن صفویان در آغاز قرن دهم هجری، حماسه‌ی ملی بزرگی پدید نیاید و داستان‌های حماسی مصنوعی تاریخی و دینی، جای حماسه‌های ملی و طبیعی

را بگیرد. در هیچ یک از این حماسه‌ها، سخنی از عظمت ایران و پهلوانان ایرانی نیست. و برعکس حماسه‌های کهن، اغلب بیگانگان و حتی خونریزانی چون چنگیز و تیمور در این حماسه‌ها وصف و ستوده می‌شوند. از این قبیل منظومه‌ها که از قرن هفتم تا قرن دهم هجری سروده شده‌اند، می‌توان از این آثار نام برد: شاهنامه‌ی هاتفی، شهنشاه‌نامه‌ی قاسمی، جنگ‌نامه‌ی کشم، جرون‌نامه، شهنشاه‌نامه سلجوق‌نامه، ظفرنامه، شهنشاه‌نامه تبریزی، غازان‌نامه، کرت‌نامه، سام‌نامه‌ی سیفی، سام‌نامه‌ی خواجو، زرتشت‌نامه، اسکندرنامه، ظفر‌نامه‌ی یزدی، بهمن‌نامه، تمرنامه، شاهرخ‌نامه؛ همه‌ی این حماسه‌ها در بحر متقارب سروده شده‌اند و تاریخی هستند (رستگار فسایی، ۱۳۸۷: ۸-۷).

حماسه‌ی دینی

ممکن است موضوع حماسه‌ی تاریخی، زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی به‌وجود آمده باشد. این منظومه‌ها که بر اثر استادی و همچنین اعتقاد شدید دینی گویندگان آن، ممکن است گاه بسیار دل‌انگیز و زیبا باشد، نیز اغلب دارای بسیاری از خصایص منظومه‌های حماسی است و از این جهت باید در شمار آثار حماسی ملل نام برده شود. این حماسه‌ها در فارسی نمونه‌های بسیار دارد که آن را منظومه‌های "حماسی دینی" می‌نامیم (صفا، ۱۳۶۹: ۷) این نوع حماسه مربوط به زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی است» (رزمجو، ۱۳۷۰: ۵۸).

حماسه‌های دینی، یادگار مجاهدت گروهی برای حفظ دین و نبرد با معاندان و برانداختن آداب و رسومی است که خلاف عقاید دینی تشخیص داده می‌شود. نخستین حماسه‌ی بازمانده از این دست در ایران، یادگار زیربان^۱ است؛ این حماسه در واقع مربوط به دوران آغازین دین زرتشت است (ثعالبی مرغنی، ۱۳۷۲: ۱۷۰). در تاریخ شعر فارسی، اشعار دینی از شاعرانی مانند کسائی مروزی و ناصر خسرو آغاز شد و بعداً به‌وسیله شاعران شیعی مذهبی از قبیل قوامی رازی، شاعر قرن ششم هجری؛ ابن‌حسام خوسفی، شاعر

۱. متنی حماسی به زبان پهلوی است و شرح وصف نبرد ایران با خیوان (Hyaina)، برای پاسبانی از دین زردشت است. این داستان را دقیقی به شعر در آورده و فردوسی هم آن را در شاهنامه گنجانده است.

قرن نهم؛ و محتشم کاشانی، شاعر قرن دهم تکمیل شد. پس از آن در تمام دوره صفویه و قاجاریه ادامه یافت. این اشعار که حماسه‌های دینی را هم باید در شمار آن‌ها دانست، معمولاً در ذکر مناقب یا مصائب اولیای دین و پیشروان تشیع سروده شده است. رواج این نوع شعر در دوره صفویه که عهد تقویت مذهب تشیع و رسمی شدن آن در ایران است، از هر دوره‌ی دیگر بیشتر بوده و در دوره قاجاری نیز از رواج نیفتاد (صفا، ۱۳۸۹: ۸۹).

همین نوع حماسه یا مفاخره مذهبی است که در نهایت منجر به پدید آمدن گروهی به نام "مناقب‌بان" یا مناقب خوانان شد که به ذکر بزرگی و علو مقام پیشوایان خود، به ویژه در شیعه می‌پرداختند. همراه این مناقب، حکایاتی هم نقل می‌شد که در آن‌ها از شجاعت‌های علی بن ابی‌طالب (ع) سخن می‌رفت. این کار مقدمه ایجاد داستان‌های قهرمانی و منظومه‌های حماسی دینی درباره‌ی جنگ‌های علی بن ابیطالب (ع) و اولاد او شده و از این راه چند منظومه بدیع در ادبیات فارسی به وجود آمده که همگی در بحر متقارب است. مانند "خاوران‌نامه" ابن‌حسام و "حمله حیدری" باذل و "حمله حیدری" راجی کرمانی و "خداوندنامه" فتحعلی خان صبای کاشانی و "اردیبهشت‌نامه" سروش اصفهانی و چند منظومه دیگر (همان: ۸۹). صاحب قران‌نامه، مختارنامه، شاهنامه‌ی حیرتی، غزوانه‌ی اسیری، دلگشانامه، جنگنامه، داستان علی اکبر (همان: ۳۹۰-۳۷۹)

در باب امام اول شیعیان، میان شیعه، به تدریج داستان‌هایی پدید آمده که بعضی از آن‌ها مبنی بر حوادث تاریخی، برخی از این داستان‌ها به کلی دور از حقیقت تاریخی و افسانه محض است که اندک اندک میان ملت ایران و بر اثر اخلاص شدید این قوم نسبت به حضرت علی (ع) و در آمدن او در صف پهلوانان ملی به وجود آمده است.

اخیراً شفیع کدکنی، کتابی تحت عنوان "علی‌نامه" را که عکس یک نسخه‌ی خطی است، منتشر کرده‌اند؛ ایشان عقیده دارد که «این منظومه، علی‌التحقیق، نخستین تجربه‌ی شعر حماسی شیعی اثناعشری در تاریخ ادب فارسی است» (ربیع، ۱۳۸۸: سی و چهار)؛ «این منظومه در بحر متقارب سروده شده و تمام آن در مناقب و جنگ‌های امام علی بن ابی‌طالب (ع) با ناکشین و قاسطین است و یکسره در خدمت اعتقادات شیعی. این منظومه در سال ۴۸۲ق. به احتمال قریب به یقین در ناحیه ی بیهق منظوم شده است» (همان:

یازده). منظومه‌ای با این حجم آن هم در قرن پنجم (بیست سال قبل از سرودن گرشاسب نامه) از نظر تاریخ شعر شیعی و حماسه‌های شیعی نیز دارای اهمیت است» (همان: شانزده) مردم با توجه به عشق و علاقه شدیدی که به مقام شامخ حضرت علی (ع) داشته‌اند، افسانه‌های زیادی درست کرده‌اند که با واقعیت‌های تاریخی همخوانی ندارد و بیشتر برگرفته از روحیه شخصی افراد بوده که به صورت روحیه جمعی درآمده است. یعنی افسانه و واقعیت به هم آمیخته شده است و نشان از روح جمعی یک امت دارد. اصولاً «ما در حماسه با توصیف واقع‌گرایانه سر و کار نداریم؛ زیرا واقعیت حماسه، مصالح بی‌زمان و بی‌مکان است. تنها عنصر واقع‌گرایانه در حماسه خاستگاه اجتماعی شاعر و بینش اوست که در رویدادها به گونه‌ی غیر مستقیم یا به تلویح نقش می‌بندد» (عبادیان، ۱۳۷۹: ۴۵). این گونه حکایت‌ها، بازگوکننده این است که اسطوره و افسانه می‌تواند از منطق زمان و مکان خارج باشد. به عبارت دیگر، افسانه و اسطوره بی‌مکان و بی‌زمان است؛ مثلاً در خاوران‌نامه مواجهه حضرت علی (ع) با قباد و تهماسب، حکایت از زمان شکنی دارد، زیرا این دو شخصیت در زمان آن حضرت نمی‌زیستند و حضور حضرت علی (ع) در سرزمین‌های خاور (ایران، هند و...)، حکایت از بی‌مکانی است (خائفی، ۱۳۸۰: ۵۳-۵۴).

تأثیرگذاری ابن‌حسام به عنوان یک شاعر آیینی

ابن‌حسام خوسفی شاعری آیینی است؛ وی دیوان اشعاری دارد که در بخش دوم آن قصائد غرابی در نعت پیامبر اکرم (ص) و منقبت مولای متقیان علی (ع) و بیان فضایل ائمه اطهار سروده و شرح مصائبی است که بر آن بزرگواران رفته است. این بخش، شامل ۳۸۳۳ بیت است. در میان شاعرانی که به نشر فضایل و ترسیم سیمای درخشان مولا علی (ع) از بعد شجاعت، عدالت، سخاوت، ایثار و گذشت، علم، آگاهی، زهد و تقوا پرداخته‌اند و بر خلاف شاعران مداح، انتظار کوچک‌ترین صله مادی نداشته‌اند، چهره ابن‌حسام، این فرزانه زاهد، که بیشترین بخش آثارش را به مدح علی (ع) و خاندان پاکش اختصاص داده، تالگو خاصی دارد. دفاع او از حقانیت مولا و فرزندان بزرگوارش تا آنجا بود که معاندان و دشمنانش، نسبت کفر به او دادند. شاعر، خود در قصیده‌ای، به این موضوع اشاره دارد:

گر نعت اهل بیت کفر است کافر
هم آسمان گواه برین قول هم زمین
نسبت به کفر می‌کندم خصم خاکسار
حاشا چه کفر؟ کفر کدام و کدام دین؟!
آری حسود طعنه اگر می‌زند چه سود
بی نشتر مگس نبود نوش انگبین
(ابن‌حسام خوسفی، ۱۳۶۶: ۵۶)

علاوه بر دیوان اشعار، وی کتاب خاوران‌نامه را سروده است که یکی از قدیم‌ترین حماسه‌های شیعی است که حدود ۲۲۵۰۰ بیت است و در خصوص جنگ‌های حضرت علی (ع) سروده شده است (احمدی بیرجندی، ۱۳۶۴: ۲۰). «موضوع اصلی آن، سفرها و حملات علی (ع) به سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و ابوالمحنج و جنگ با قباد پادشاه خاورزمین و امرای دیگری مانند تهماسب شاه و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع. ناظم کتاب مدعی است که موضوع منظومه خود را از یک کتاب تازی انتخاب کرده است و خود مستقیماً دخالتی نداشته است» (صفا، ۱۳۸۹: ۳۱۷).

خاوران‌نامه ابن‌حسام از بهترین نمونه‌های حماسی دینی است و به سبب سرودن این منظومه، وی را "فردوسی ثانی" لقب داده‌اند. زیرا اندیشه تابناک و اعتقاد راسخ او، سخن فردوسی بزرگ را فرا یاد می‌آورد، آن‌جا که به دلیل اظهار تولی به مقام شامخ اهل بیت، مورد آزار و اذیت فردی همچون سلطان محمود غزنوی واقع می‌شود:

منم بنده اهل بیت نبی ستاینده خاک پای وصی
گرت زین بد آید گناه من است چنین است آیین و راه من است
برین زادم و هم بر این بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم

(فردوسی، ۱۳۶۹: ۴۴)

در این کتاب، موضوعاتی همچون مناقب، مرثی، ذکر سجایای اخلاقی پیامبر (ص) و معصومین (ع) گرامی داشت علم و عمل، نکوهش ریا و سالوس، بی اعتباری دنیا، عبرت از مرگ و ... آمده است.

پس از ابن‌حسام، مثنوی خاوران‌نامه مورد تقلید دیگران قرار گرفت؛ یکی به دلیل فضل تقدم او در توصیف جنگ‌های حضرت علی (ع) است، دیگر بازه‌ی زمانی قرن نهم است که گرایشات شیعی در آن رو به فزونی بود. عامل دیگر زیبایی بیان و ویژگی‌های بلاغی اثر

اوست^۱. از جمله مثنوی‌های مورد تقلید خاوران نامه می‌توان به این آثار اشاره کرد:
 حمله حیدری: راجع به زندگانی محمد بن عبدالله (ص) و علی بن ابی طالب (ع)
 است. ناظم اصلی حمله حیدری میرزا محمدرفیع خان باذل پسر میرزا محمد است (صفا،
 ۱۳۸۹: ۳۸۰).

صاحبقران نامه: که درباره سرگذشت سیدالشهدا حمزه بن عبدالمطلب عموی پیامبر
 در دربار انوشیروان و عشق او با دختر پادشاه ایران و جنگ‌های وی با شاهان توران و
 هند و ممالک فرنگ است که به تقلید از شاهنامه فردوسی است و در سال ۱۰۷۳ق. به
 نظم درآمده و ناظم آن معلوم نیست. مختارنامه: از شاعری به نام عبدالرزاق بیگ دنبلی
 متخلص به مفتون درباره غزوات مختاربن ابی عبید ثقفی. شاهنامه حیرتی: در ذکر غزوات
 رسول و ائمه اطهار (ع).

غزوانه اسیری: منظومه‌ای به بحر متقارب و به تقلید از شاهنامه فردوسی در شرح
 غزوات حضرت رسول اکرم (ص) است.

در این منظومه‌های حماسی دینی بعضی از حالات و بزرگواری‌ها و شجاعت‌ها و
 دلیری‌های حضرت علی (ع) آمده است که بیشتر آنها روایت‌های شفاهی بوده که با افسانه
 و اسطوره و تاریخ آمیخته شده است و حتی زمینه‌هایی از تفکر فرهنگ عامه در آنها دیده
 می‌شود که سراینده‌گان آن، با مهارت و استادی این موضوع‌ها را به تصویر کشیده‌اند و این
 نگاه، نشان از توانایی، ابتکار و تیزهوشی شاعران آن بوده است که با اعتقادی راسخ و بیانی
 شیوا، به رشادت‌های حضرت علی (ع) و یاران باوفایش، جدا از صورت شکوهمند واقعیت
 تاریخی، در قالب اسطوره‌ای اشاره می‌کنند.

حمله: آغاز آن با مکالمه رسول خدا (ص) با فاطمه بنت اسد و تولد حضرت علی (ع) در
 بیت‌المقدس [کعبه] و بیان بعضی از حالات پیامبر و ازدواج او با خدیجه و بعثت به رسالت
 است (همان: ۳۸۵). ناظم کتاب یکی از شعرای قرن سیزدهم هجری به نام "ملا بمانعلی"
 متخلص به راجی از مردم کرمان است. اثر وی از لحاظ استحکام الفاظ و زیبایی قوی‌تر و
 استوارتر از "حمله حیدری" باذل است. در این کتاب نیز اسطوره و واقعیت به هم آمیخته

۱. بیان علل این تأثیرگذاری بحث‌های مفصلی را می‌طلبید که خود می‌تواند موضوع یک مقاله شود.

شده و بعضی از تصورات ملی ایرانیان در آن اثر کرده است همانند داستان دیوی که به خدمت پیامبر (ص) آمده و قبول دین اسلام کرده است.

خداوند نامه: ملک الشعرا فتحعلی خان صبای کاشانی آن را سرود؛ وی پس از نعت پیامبر (ص) به ستایش امام اول شیعیان پرداخته و نمونه‌هایی از شجاعت، علم، حلم، سخاوت، ایثار، فداکاری و دیگر فضایل گوناگون آن امام همام را ستوده است.

جنگ‌نامه: از شاعری متخلص به آتشی که جنگ علی (ع) در بئر‌العلم با جنیان و داستان جنگ حیدرکرار با ذوالخمار و با دیگر دشمنان که همه دارای جنبه حماسی و دینی است اما از نظر ارزش و اعتبار ادبی نازل و سست است.

با بررسی این منظومه‌های مذهبی، چنین دریافت می‌شود که مدار سخنان سرایندگان آن اگر چه بیشتر بر دین و ارزش‌های اخلاقی است، اما محور دین‌مداری آنان مولا علی (ع) و وصف آن بزرگوار و نکوهش معاندان ایشان است و تعهد و تقید به مذهب و دورنمایی از روح تعبد و پای‌بندی به دین و مذهب و ارزش‌های اخلاقی است.

هرمان اته،^۱ حس روزافزون تشیع ایرانی را سبب روی آوردن اخلاف فردوسی به سرودن حماسه‌ی مذهبی به‌ویژه در مدح حضرت علی (ع) می‌داند؛ وی معتقد است که «مقدمتاً در سال ۸۳۰ ق. ابن حسام خاوران‌نامه را به نظم کشید» (اته، ۱۳۵۶: ۵۹). «رواج این نوع شعر در دوره‌ی صفویه که عهد تقویت مذهب تشیع و رسمی شدن آن در ایران است، از هر دوره‌ی دیگر بیشتر بوده و در دوره‌ی قاجاریه هم از رواج نیفتاده» (صفا، ۱۳۶۹: ۸۹).

خاوران‌نامه

کتاب خاوران‌نامه، که به "خاورنامه" نیز شهرت دارد، در یکی از نسخه‌های خطی، بعد از ذکر مقدمه، در آغاز داستان با عنوان "کتابت خاورنامه" آمده است. در عین حال، ناظم آن در پایان کتاب از آن چنین یاد می‌کند:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی
شد این نامه‌ی تازیان پارسی
مر این نامه را خاوران‌نامه نام
نهادم بدان‌گه که کردم تمام

(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۳۱۵)

یان ریپکا^۱، محقق نامی، حماسه‌های تقلید شده از فردوسی را به دو بخش حماسه‌های پهلوانی، مانند گرشاسب‌نامه‌ی اسدی و حماسه‌های نیمه تاریخی، دینی و تاریخی تقسیم نموده است و اظهار می‌دارد: «آخرین سالک این طریق ابن‌حسام خوسفی سراینده‌ی خاوران‌نامه است که در آن، چون پیروزی تشیع صفوی در پیش بود، سنت حماسی دست‌خوش تشیع می‌گردیده و امام علی -علیه السلام- جانشین پهلوانان اصلی می‌شود» (ریپکا، ۱۳۵۶: ۲۶۴).

خاوران‌نامه حدود ۲۲۵۰۰ بیت دارد و در خصوص جنگ‌های حضرت علی -علیه السلام- و یاران آن حضرت، در خاورزمین سروده شده است (احمدی بیرجندی، ۱۳۶۴: ۲۰). چون مالک اشتر، ابوالمحن، عمرو بن معدی کرب، عمرو بن امیّه با قبادشاه خاوران و با امرای بت‌پرست دیگر مانند تهماسب‌شاه و صلصال‌شاه برای اشاعه‌ی اسلام و برانداختن کفر در خاورزمین (خوش کنار، ۱۳۸۸: ۱۸).

ابن‌حسام مدعی است که موضوع و مأخذ منظومه‌ی خود را از یک کتاب تازی برگزیده است. ذکر این نکته لازم است که محتوای بیش‌تر کتب حماسی (ملی، تاریخی، دینی) ایرانی مبتنی بر یک متن اصلی بوده است و سازندگان آن در نقل مستقیم یا جعل روایات دخالتی نداشته‌اند (صفا، ۱۳۸۹: ۳۷۷). از آنجا که تا کنون از متن تازی خاوران‌نامه اثری در دست نیست، به نظر می‌آید که دلایلی چند باعث این ادعا بوده است: الف) تقلید از فردوسی که در جای‌جای شاهنامه متذکر می‌شود که شاهنامه از روی یک متن باستانی سروده شده است. ب) تبرئه‌ی خود از خلق منظومه‌ای که مشتمل بر رویدادهای غیر واقعی است. پ) عشق شدید او به اهل بیت که انگیزه‌ی اصلی سرودن چنین منظومه‌ای بوده است و توجیه این کار برای خوانندگانی که بی‌خبر از ویژگی‌های حماسه‌ی مصنوع، این داستان را بی‌اساس و نوعی دروغ بستن به پیامبر و امام (ع) و کاری خلاف شرع خواهند شمرد.

به‌طور کلی خاوران‌نامه روایتگر داستان‌هایی است خیالی، اگرچه تمام این داستان‌ها به یک امر حقیقی و شخصیت واقعی، که وجود مقدّس حضرت علی -علیه السلام- است،

برمی‌گردد لیکن هیچ‌گاه برای قهرمان اصلی این داستان چنین صحنه‌ها و حوادثی، که تاریخ گواه آن باشد، پیش نیامده و این چنین جنگ‌هایی برای آن حضرت روی نداده است؛ اگر خواننده با دید تاریخی محض به این اثر بنگرد آن را مستند نخواهد یافت و باید توجهش به مفهوم خاص حماسه‌ی مصنوع باشد؛ یعنی آن‌چه در سایه تاریکی‌های ذهن یک داستان‌پرداز، به گونه‌ای که مطلوب و مقصود اوست، پدید می‌آید. حماسه از این جهت، به نوعی به خواب و رؤیا شباهت دارد که غلبه‌ی شور و شوق بر آن حاکم است و رنگ اغراق بر آن غلبه دارد. بنابراین، ارزش کتاب خاوران‌نامه از جنبه‌ی ادبی و حماسی مطرح است نه از جنبه‌های دیگر.

چنان که گذشت، سرزمین‌های موردنظر در خاوران‌نامه نیز ناشناخته بوده و شاهانی که در آن مکان‌ها حکومت می‌کرده‌اند، اشخاصی هستند کاملاً ساختگی و مجعول و حتی اسامی آن‌ها به گونه‌ای انتخاب شده است که به هیچ زبان و ملیتی شباهت ندارد و تاکنون معلوم نشده که این "دانای تازی سرای" کیست و کجاست؟

چنین گفت دانای تازی سرای که چون حیدر آن شاه کشور گشای

(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۱۲)

در خاوران‌نامه، تخیل و رویکرد فرازمانی و فرامکانی و فراشخصیتی آن به تاریخ، به عنوان نکته‌ی اساسی در نقل داستان مورد توجه شاعر است (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۸۱). علاوه بر شخصیت‌های موجود در داستان، که نام آن‌ها در تاریخ ثبت شده است، مانند مالک اشتر، ابوالمحجن، عمرو بن معدی‌کرب و عمرو بن امیّه، افرادی نیز مانند رعد، عمار، سهامه بن ربیع، عملاق، قرطاس، عبدوی و نیز مکان‌هایی خیالی، چون حصن ضمان و حصن ظفر وجود دارد؛ افرادی چون عمرو بن امیّه (عیار معروف تازی) در بسیاری از صحنه‌ها حضور دارد. از جایی که وی وارد صحنه‌ای می‌شود، بیش‌تر سخن از شبروی‌ها و عیاری‌های شگفت‌انگیز وی می‌رود. عمرو بن امیّه هر لحظه به شکلی درمی‌آید، به زبان‌های گوناگون سخن می‌گوید، هر کس را که بخواهد از پهلوانان دشمن یا پادشاهان آنان را بی‌هوش می‌کند و شبانگه سر و رویش را می‌تراشد و از هر در و دیوار و مکانی که بخواهد داخل یا خارج می‌شود، هیچ بارویی - هر قدر هم بلند باشد- در برابر چابکی و گریزپایی وی

نمی‌تواند مانعی باشد، هرچه را می‌خواهد با بی‌پروایی می‌ریاید. از سر جمشیدشاه (یکی از پادشاهان خاور) تاج را می‌ریاید و کسی را یارای برابری و پایداری در مقابل او نیست. همه‌ی لشکریان را تار و مار می‌کند و سرانجام جمشیدشاه ناگزیر به وی باج می‌دهد تا از جانب سرش در امان باشد.

هم‌چنان خیال‌پردازی‌ها در داستان اوج می‌گیرد. در بعضی صحنه‌ها دیو و جادو افزوده می‌شود و قلعه‌های طلسم شده و دست‌های جادویی دیده می‌شود. چاه‌هایی که بن آن‌ها ناپیداست و در برخی از آن‌ها هنگامی که به چاه می‌رسند، شهری، که کرانه‌ی آن ناپیداست، ظاهر می‌شود و... همه‌ی این‌ها از رهگذر ویژگی‌های نوع ادبی حماسه قابل توجیه است.

ابن حسام، اگرچه در گزینش کلمات و ترکیبات و وصف صحنه‌های رزمی به پای فردوسی نمی‌رسد و سخنش فخامت و استواری سخنان فردوسی را ندارد، ولی در توصیف مناظر طبیعی و مجالس بزمی، استادی و مهارت خاصی از خود نشان می‌دهد. به همین سبب، بزمی بودن او نسبت به حماسی بودن او نمود بیش‌تری دارد. او خود در چند جا از خاورنامه، از پیشوای خود ابوالقاسم فردوسی توسی، یاد می‌کند و به استادی و فضل تقدم و تقدم فضل او اعتراف دارد:

بدو گفتم ای اوستاد سخن بدادی به شهنامه داد سخن
 زبان تو آب زلال است و بس بیان تو سحر حلال است و بس
 دلت مخزن گنج دانشوری است تو را در سخن پایه‌ی برتری است...

(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۲۰۰)

او، چون فردوسی در پایان هر داستان، چند بیتی در ناهمواری دنیا بیان می‌دارد:

بیا ای گزارنده‌ی سرگذشت کجایی که عمر از چهل در گذشت
 تو پیری و چندین جوان می‌رود تو آهسته و کاروان می‌رود

(همان: ۱۵۳)

ابن حسام، به سبب اعتقاد راستین خود به اسلام و قرآن و انس زیادی که هم از جهت تلاوت و هم کتابت، به کتاب خدا داشته، از آیات زیادی در خاوران‌نامه استفاده نموده و

هم‌چنین تا حدی از قصص روایات و تلمیحات اسلامی سود جسته است. ابن‌حسام این اثر را در سال ۸۳۰ ق. به پایان برده است:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی
شد این نامه‌ی تازیان پارسی
مر این نامه را خاوران‌نامه نام
نهادم بدان گه که کردم تمام

(همان: ۳۱۵)

ویژگی‌های حماسه در خاوران‌نامه

سیروس شمیسا در کتاب "انواع ادبی" بیست و سه ویژگی برای هر اثر حماسی بر می‌شمارد؛ این ویژگی‌ها بیشتر حماسه‌های طبیعی را در بر می‌گیرد؛ اما از آن‌جا که حماسه‌های دینی هم زیر مجموعه‌ی ادبیات حماسی است، در این‌جا نگاهی می‌اندازیم به خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام خوسفی به‌عنوان یک نمونه‌ی اعلاء از حماسه‌های دینی تا آن را از این نظر محک بزنیم.

- آثار حماسی متضمن جنگاوری و شهبسواری است: این حماسه روایتگر جنگ‌های خیالی حضرت علی (ع) و دیگران است که دلاورانه بر سپاه دشمن می‌تازند و پیروزمندانه جنگ را به پایان می‌برند.

- در حماسه، حیوانات نقش‌های بزرگی دارند و نمی‌توان آن‌ها را جانوران معمولی به حساب آورد. وقتی حضرت علی (ع) بعد از غلبه بر شاه قهرمان، با کشتی به قصد خاوران به پیش می‌روند،

دهم روز دریا چو آمد به جوش
بر آورد دل‌دل ز کشتی خروش
بمالید گوش و بر افراشت دم
چپ و راست کشتی همی زد به سم
همی کوفت کشتی به دست و به پای
خروشنده چون اسب جنگ آزما
فرو مانند مالک ز دل‌دل شگفت
به سوی سپهبد نگه کرد و گفت
که دل‌دل چرا می‌نگیرد قرار
علی گفت کاری فتاده است سخت
چه می‌بیند آیا در این رودبار
مرا این نشان نیک ناید به فال
ندانم که بر چیست فرجام بخت
زمانه نگرده مگر بد سگال (۲۰۱)

- قهرمان حماسه، جانور مهیب یا هیولایی را می‌کشد در مسیر راه، حضرت با لشکر دیو و پری و اژدها مواجه می‌شوند و اژدها را که «سه میل از سر کوه بگرفته بود» می‌کشند (۱۹۱).

- نیروهای ماوراءالطبیعه در حماسه نقش دارند. قهرمان با خدایان مربوط است و با او سخن می‌گوید. در حماسه‌های دینی چون قهرمان صبغهی مذهبی دارد، در مواقع زیادی به مناجات می‌پردازد؛ مثلاً مناجات حضرت علی (ع) در ساحل زمین (۲۰۹).
در مواجهه با دیوان و جادوان، سرانجام حضرت به اشاره‌ی هاتف غیبی "آیت ستر" بر خود می‌خواند و آن سیاهی و آشوب به خاموشی می‌گراید و تاریکی به روشنایی بدل می‌شود (۱۹۰ و ۱۹۱).

وقتی حضرت می‌خواهند بند یک موجود پنهان در صندوق را بکشایند، هاتف غیبی ایشان را از این کار باز می‌دارد.

دل پهلوان شد بر او دردمند
همی‌خواست کاو را گشاید ز بند
یکی هاتف آواز داد از هوا
که او را گشادن نباشد روا
یکی دیو جادو بدو اندر است
مر او را نه اندر خور است (۱۹۳ و ۱۹۴)
خود شاعر نیز در جای‌جای کتاب به مناجات و موعظه می‌پردازد (۱۲۶).

وقتی لشکر حضرت علی (ع) در برابر لشکر خاوران صف‌آرایی می‌کند و دو سپاه رو در رو می‌شوند، حضرت محمد (ص) در حالی که نگران حضرت علی (ع) هستند، به مسجد می‌آیند که در این هنگام جبرئیل نازل می‌شود و به پیغمبر می‌گوید ناراحت نباش؛ اگر می‌خواهی حضرت علی را در خاورزمین در حال رزم ببینی، به ایوان مسجد بیا و

حجایی که بد در زمین برگرفت
نهاد گمان از یقین برگرفت
نبی تا به خاور زمین بنگرید
همه دیدنی‌ها سراسر بدید (۱۴۶ و ۱۴۷)

سپس پیامبر از شادی فریاد می‌کشند و می‌گویند از این سپاه گران نترسید و همه را از دم تیغ بگذرانید، یاران در خاوران صدای پیامبر را شنیدند و گمان کردند که ایشان در جنگ حضور دارد؛ با جدیت کوشیدند و به پیروزی رسیدند.

- قهرمان حماسه، جانور مهیب یا هیولایی را می‌کشد: در مسیر راه، حضرت با لشکر

دیو و پری و اژدها مواجه می‌شوند و اژدها را که «سهمی لا ز سرکوه بگرفته بود» می‌کشند. (۱۹۱)

- در حماسه با گیاهان عجیبی که خواص دارویی دارند، مواجهیم: در خاوران‌نامه از گیاهان مقدس صحبتی نمی‌شود.

- هرمان حماسه موجودی مافوق طبیعی است و گاهی از خدازادگان است و به هر حال مایه‌های الهی و فوق‌انسانی دارد: قهرمان خاوران‌نامه هم حضرت علی(ع) هستند که جنبه‌ی الهی دارند و امام اول شیعیان و ولی‌الله هستند.

- نیروهای متافیزیکی در حماسه نقش دارند. قهرمان با خدایان مربوط است و با او سخن می‌گوید:

- در حماسه‌های دینی چون قهرمان صبغهی مذهبی دارد، در مواقع زیادی به مناجات می‌پردازد؛ مثلاً مناجات حضرت علی در ساحل زمین (۲۰۹).

- گاهی گروهی از خدایان طرف‌دار یک قهرمان و گروهی طرف‌دار قهرمان دیگرند. در این حماسه جنگ‌ها در حقیقت تقابل ایمان و کفر است پس خداوند یکتا از ایمان؛ یعنی جانب حضرت علی(ع) طرف‌داری می‌کند و کافران نیز به خدایان خود می‌نازند. پهلوان ساحلی در جواب علی(ع) که او را به اسلام می‌خواند، می‌گوید:

که من سیصد و شصت دارم خدای بسند این خدایان مرا رهنمای (۲۲۹)

- ایزد بانویی یا زنی عاشق قهرمان حماسه می‌شود اما قهرمان به عشق او وقعی نمی‌نهد. قهرمان حماسه‌ی دینی، به خاطر تقدسی که دارد از چنین عشق‌هایی مبرا است چرا که لازمه‌ی این عشق‌ها در حماسه‌های غیر دینی تعقیب و گریزهای عاشقانه و روابط عاشقانه‌ای است که از منظر دین گناه‌آلود است و با متانت قهرمان دینی در تعارض است و این ویژگی از موارد تفاوت و افتراق حماسه دینی از دیگر حماسه‌هاست. در خاوران‌نامه نیز ابن‌حسام چنین عشقی برای حضرت علی(ع) که قهرمان اصلی داستان هستند، رقم نزده است. اگر چه او نیز با اقتدا به حماسه‌های دیگر، برای مالک در جایگاه یکی از پهلوانان این حماسه، پای عشق را به معرکه می‌کشد؛ گلرخ، دختر جمشید، به همراه دختران دیگر در مسیر مالک قرار می‌گیرد و

نگه کرد مالک به آوای او بدان خوبی و مهر و بالای او
 به گیسوی او مبتلا شد دلش گرفتار دام بلا شد دلش
 ...ز بازوی شیران ندیدی نهیب ببردت به چشم آهوپی دلفریب
 ...چو زور آورد دست غوغای عشق بگردد سر عقل در پای عشق (۱۱۸)

اما در این جا هم باز این دختر است که عاشق می شود و با تعریف از او در حضور پدرش، مالک را به دربار می کشاند و در پی آن جنگ مالک با رقیبان و بالاخره ازدواج بر طبق آیین شاهان و

به دل گفت چون شاه مردان علی بدین کشور آید به روشن دلی
 به آیین اسلام پیغمبری ببندد نکاح ز ناشوهری (۱۲۰)

- قهرمان حماسه قهرمانی قومی، ملی و نژادی است. این مورد نیز از موارد افتراق حماسه‌ی دینی است؛ قهرمان این حماسه جنبه‌ی ملی و قومی و نژادی ندارد اما حضرت علی (ع)، پس از شیبخون بر دشمن ناشناخته، در نقش فرستاده‌ی حیدر، به دربار تهماسب می‌آید و از خاورزمین به‌عنوان کشور خود یاد می‌کند با این استدلال که او کشور را از جمشید گرفته و تلویحاً تهماسب را متجاوز می‌داند:

همی گویدت حیدر نامدار که تهماسب را تیره شد روزگار
 چرا کرد خاورزمین را خراب همانا نداند درنگ از شتاب
 مرا با تو از بن نبد رأی جنگ شتاب از تو آمد به جای درنگ
 به خاورزمین آمدم با سپاه گرفتم سر تخت جمشیدشاه
 چرا آمدی سوی آن انجمن به تاراج دادی همه شهر من (۲۱۲)

در جای دیگر پیر مرد خاورانی تهماسب را از کفار می‌داند و آمدن علی (ع) را غنیمت می‌شمارد:

بگفت ای سپهبد به فریاد رس که در مرز خاور نماند هیچکس (۲۳)
 و از سعد وقاص چنین دفاع می‌کند:
 بسی کرد سعد دلاور نبرد هم آخر گرفتار گشت او به درد (۲۰۳)

- قلمرو قهرمان همه‌ی آفاق است؛ در این حماسه هم علاوه بر این که فاصله‌ی حجاز

تا خاوران زیاد است، چون حضرت علی (ع) شخصیت مذهبی هستند طبعاً به فرقه و جا و مکان و محدوده‌ای خاص تعلق ندارند و همه‌ی جهان قلمرو امر و نهی ایشان است.

- اعمال قهرمان حماسه، خارق‌العاده و غیر طبیعی است و به هر حال با منطق متعارف قابل سنجش نیست. علی (ع) وقتی به ساحل زمین می‌رسد؛ دردمندانه از کشته شدن یارانش به مناجات می‌پردازد و ناگهان

یکی نعره‌ای از جگر بر کشید	شب تیره صور قیامت دمید
سیه شد نیوشنده را مغز و هوش	فلک را تو گفتی که کر گشت گوش
ده اندر ده از هر طرف جانور	بمردند پاک اندر آن بوم و بر
تبه گشت از آن کافران سی هزار	ز آواز آن گرد خنجر گذار (۲۰۹)

قلعه‌ی "آهن ربای" از قلعه‌های قدیمی و ساخته‌ی حضرت سلیمان (ع) بود و در این دژ، چهارصد بت زرین وجود داشت و دیو عجیبی که از دیوان بندی حضرت سلیمان بود بر آن دژ تسلط داشت. حضرت علی (ع) پس از چند بار حمله نتوانسته بود بر آن دست یابد؛ و سرانجام مایوس شدند و گریستند تا این که پیامبر اسلام با الهامات غیبی از حال حضرت با خبر شدند و نوشته‌ای با قلم عنبرآگین خود مزین به "انا فتحنا"، به امیرالمؤمنین ارسال فرمودند و حضرت آن را بر تیر بست و به قلعه پرتاب کردند که طلسم آن دژ با این تیر گشوده شد (ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۷۲).

- قهرمان حماسه در هر بخش از زندگی خود با یک ضد قهرمان مواجه است. در این حماسه هم حضرت با ضد قهرمانان چندی روبروست از جمله قطار، خاوران، تهماسب، صلصال.

- قهرمان حماسه به سفرهای دور و دراز و مخاطره آمیز می‌رود. قهرمانان این حماسه هم مسیر دور و مخاطره‌آمیز عربستان تا خاوران را می‌پیمایند و در مسیر با حوادث خطرناک روبرو می‌شوند.

- قهرمان حماسه اعمال بزرگی انجام می‌دهد که اهمیت ملی یا معنوی یا حکمی دارد. اعمال بزرگ قهرمانان این حماسه، همه جنبه‌ی معنوی دارد و این جنگ‌ها برای مسلمان کردن مردم است، حضرت (علی) خطاب به پهلوان ساحلی می‌گویند:

اگر زان که خواهی رهایی ز من
بگو آفریننده‌ی من یکی است
و او چنین پاسخ می‌دهد:

نیچم ز تهماسب و آیین او
که من سیصد و شصت دارم خدای
همچنین در پایان جنگ با تهماسب:

علی گفت هر کو مسلمان شود
سر و مالش این جا بماند به جای
همه شهر ساحل مسلمان شدند
همه کارش از من به سامان شود
سر افزا باشد به دیگر سرای
ز کار گذشته پشیمان شدند (۲۴۲)

- یکی از صحنه‌های مهیج حماسه، نبرد تن به تن قهرمان با خصم اصلی (ضد قهرمان) و عوامل اوست؛ نبرد رو در روی حضرت علی (ع) با تهماسب که تنها خود را هم‌اورد ایشان می‌داند، نمونه‌ای از نبرد تن به تن قهرمان با ضد قهرمان است.

- در جنگ‌های حماسی مخصوصاً در نبردهای تن به تن، از انواع و اقسام سلاح استفاده می‌شود. جنگاوران در خاوران‌نامه همچون پهلوانان شاهنامه، از انواع سلاح و لباس‌های جنگ استفاده می‌کنند؛ ترک پولاد، مغفر، افسر، چرم پلنگان، جامه‌ی کرگدن و

ز تیر و کمان و کمند و عمود
سلیحی که شایسته‌ی جنگ بود (۲۸۹)
- یکی از ابزارهای جنگ فریب است. فریب‌کاری در ساحت قهرمان اصلی شخصیت علی (ع) راه ندارد؛ اما مالک اشتر در رقابت عشقی خود، به فریب هم متوسل می‌شود و خودش را بازرگانی به نام "هامان" معرفی می‌کند و با تکیه به عشق دختر و علاقه‌ی خود جمشیدشاه به عنوان خواستار دختر پادشاه و در مقام فرماندهی لشکر خاوران در آن سرزمین اقامت می‌کند (۱۱۹).

- از آن جا که قهرمان حماسه، بعد از انسان خدا، مرگ او نباید در انتظار عموم باشد. این حماسه با بازگشت پیروزمندانه‌ی حضرت علی (ع) به یثرب به پایان می‌رسد و در آن سخنی از مرگ قهرمان نیست.

- در حماسه سخن از آینده‌نگری و پیش‌گویی است. بعد از شکست صلصالیان، صلصال قصد کرد حضرت علی (ع) را ببیند؛ آنگاه کوشیار، وزیر صلصال، خطاب به او می‌گوید:

چنین یاد دارم ز گفتار دال ز تاریخ شاهان دیرینه سال
 که مردی بدین مرز راند سپاه سرافراز و بیدار و لشکر پناه
 ز خاک عرب باشد او را سرشت به هم بر زند ملت زردهشت
 ز تیغش جهان گرد آتش زده نه آتش بماند نه آتشکده (۲۸۱)

در جایی دیگر حضرت علی (ع)، رسول اکرم (ص) را خواب می‌بیند و با سخنان ایشان از حال سپاه با خبر می‌شوند (۱۸۶).

- در حماسه سخن از دیوان، غولان؛ جادوان و جادویی است؛ بر قلعه‌ی "آهن ربای" دیوی تسلط داشت (۱۷۲).

در جای دیگر حضرت با دیوان و جادوان مواجه می‌شوند (۱۹۰ و ۱۹۱).
 در غاری مالک با دیوان گلاویز می‌شود:

بزد مالک آن گرز را بر سرش به زخمی فرو شد همه پیکرش
 بر و پیکر دیو با پیل مست بدان گرز پولاد بر هم شکست (۱۱۲)

- در برخی از حماسه‌ها، شاعر با یکی از الهگان شعر ارتباط می‌یابد و از او سؤال می‌کند. در این جا سخن از الهه‌ی شعر نیست اما ابن‌حسام، فردوسی را خواب می‌بیند که خدای شعر است:

بدو گفتم ای اوستاد سخن بدادی به شهنامه داد سخن
 زبان تو آب زلال است و بس بیان تو سحر حلال است و بس
 ... برم بر بر خویش لختی بمال که در سینه‌ی توست عقد هلال
 ... دمی چند بودم در آغوش او برم بر بر و دوش بر دوش او
 به گفتارها خاطرم شاد کرد ز یادم برفت آنچه او یاد کرد
 ...دلم مخزن گنج اسرار گشت خرد را سر خفته بیدار گشت (۲۰۰)

شاعر در جای دیگر هم راهنمای حضرت خضر (ع) را باعث روانی طبع خود می‌داند:
 مرا خضر تا راهنمایی نکرد دلم در سخن پادشاهی نکرد

گر از جام خضرم نبودی شراب سخن بر زبانم نرفتی چو آب (۳۱۷)
 - در حماسه با عینیت و سادگی و عظمت مواجهه‌ایم. در این حماسه نیز با عظمت و
 متانت و اقتدار علی (ع) و پیروزمندی قهرمانان دیگر آن مواجه هستیم و صحنه‌های نبرد
 و حوادث و رویدادها بسیار خوب توصیف شده‌اند، عینیت دارند و ساده و روشنند.
 - حماسه دارای سبکی عالی، معنایی جدی و الفاظی سنگین و فاخر است و اسم‌ها
 قدیمی و مطمئن و رعب‌انگیزند. خاوران‌نامه را یکی از موفق‌ترین نمونه‌های حماسه‌ی
 منظوم می‌دانند که شباهت‌های زبانی بسیاری با شاهنامه دارد چه از حیث واژگان و
 ترکیبات، و چه از نظر نحو و معانی و بیان و حتی اسلوب پند و اندرز دادن بعد از وقایع
 بزرگ و جنگ‌ها. به‌عنوان مثال بنگرید به ابیاتی چند از آغاز کتاب:

نخستین بدین نام‌های دلگشای	سخن نقش بستم به نام خدای
خداوند هوش و خداوند جان	خداوند بخشنده‌ی مهربان
یگانه خداوند بالا و پست	گواه بوده بر هستیش هر چه هست
سپهر و زمین و زمان آفرین	دل و دانش و عقل و جان آفرین (۴۳)

نتیجه

حماسه یا طبیعی و ملی است و یا مصنوع؛ مثلاً حماسه‌ی تاریخی یا دینی. می‌گویند
 حماسه‌ی ملی، زمانی به‌وجود می‌آید که ملتی پای در راه ملت شدن می‌گذارد و در راه
 حصول تمدن گام می‌نهد. در مورد دلیل ایجاد حماسه‌های دینی هم همین امر به‌گونه‌ای
 دیگر پیش می‌آید؛ یعنی زمانی که شرایط اجتماعی به نحوی رقم می‌خورد که یک دین و
 یا یک مذهب قدم در راه انسجام و کسب قدرت و گسترش بیشتر می‌گذارد، حماسه‌های
 دینی رواج می‌یابند؛ به هر حال حماسه از هر نوعی که باشد، بازتاب شرایط اجتماعی
 و توصیفگر تاریخ، فرهنگ و آیین سرزمین ایران است و صحنه‌های دلآوری و رزم‌ها و
 شادی‌های مردانی را نشان می‌دهد که هر یک نماد و سنبل‌ی از ویژگی‌های برترند.
 این که در برهه‌هایی از تاریخ ایران، شاعران به سرودن حماسه‌های تاریخی پرداخته‌اند
 و حتی بیگانگان را ستوده‌اند و ایشان را قهرمان حماسه‌ی خود قرار داده‌اند، شاید ریشه در
 این واقعیت تاریخی داشته باشد که ایرانیان با تکیه بر تمدن بزرگ دیرین خود، با شگردهای

مبارزاتی خاص خود، همواره ملل مغلوب را به رنگ خود درآورده‌اند و آنان را آن‌چنان در تمدن و فرهنگ خود استحاله کرده‌اند که کم‌کم به یک هم‌میهن و هم‌مذهب بدل شده‌اند تا آن‌جا که بیگانگان قبلی چنان خودی شده‌اند که خود مدافع فرهنگ ایران و پاسدار زبان ما و مشوق شاعران و هنرمندان ما شده‌اند و حتی گاه در صدد برآمده‌اند که نسب خود را به گونه‌ای به سلسله‌های ایرانی پیشین برسانند؛ به همین سبب، در ذهن شاعران به حدی خودی می‌شده‌اند که آن‌ها را قهرمان حماسه‌ی ملی خود قرار می‌داده‌اند. علاقه به اهل بیت که در برابر تهاجم عربی و تبعیض‌های نژادی خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس، پناهگاه روحی ملت ایران بودند، مردم ایران را بر آن داشت تا در کنار قهرمان اسطوره‌ای و ملی خود، برترین مردان عالم؛ یعنی پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) و دلاوران سپاه اسلام را هرگز فراموش نکنند و در حماسه‌های دینی آنان را بستایند و در عالم خیال به ایران بیاورند تا اینان نیز هم‌چون پهلوانان کهن به پاک کردن این سرزمین از پلیدی و بدی و ویژگی‌های اهریمنی دست‌گشایند. و این چیزی است که در خاوران‌نامه به خوبی دیده می‌شود؛ زیرا با توجه به ویژگی‌هایی که در متن ذکر شد، خاوران‌نامه یکی از بهترین نمونه‌های حماسه‌ی دینی است که بر بقیه‌ی حماسه‌های دینی - به جز علی‌نامه - فضل تقدم دارد و نیز سرمشق خوبی برای آن‌ها بوده است. او حتی علت سرودن این کتاب را برخوردار شدن از عطای رسول (ص) می‌داند:

سخن ختم شد بر سخای رسول
 نیم نا امید از عطای رسول
 چو هر بی‌نوایی از او با نواست
 مرا گر ثوابی رسد هم رواست (۲۱۳)

منابع و مأخذ

۱. ابن‌حسام خوسفی، محمد بن حسام الدین (۱۳۶۶). *دیوان ابن‌حسام خوسفی*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲. ----- (۱۳۸۲). *تازیان‌نامه پارسی*. تصحیح حمیدالله مرادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. اته، هرمان (۱۳۵۶). *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه‌ی صادق رضازاده‌ی شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴. احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۶۴). "ابن حسام خوسفی، شاعری حق شناس اما ناشناخته". *کیهان فرهنگی*، شماره ی ۱۹ (پاییز): ۲۰-۱۹.
۵. ثعالبی مرغنی، حسین بن محمد (۱۳۷۲). *غررالسییر*. ترجمه محمد روحانی. مشهد: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. خائفی، عباس (۱۳۸۰). "واقعیت و اسطوره در شعر ابن حسام خوسفی". *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند*، شماره ی ۱ (بهار): ۵۱-۵۶.
۷. خوش‌کنار، حیدرعلی (۱۳۸۸). "خاوران‌نامه برترین حماسه‌ی دینی". *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، شماره ی ۸۹ (بهار): ۱۶-۱۹.
۸. ربیع، (۱۳۸۸). *علی‌نامه*. با مقدمه‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی و محمود امیدسالار. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۹. رزمجو، حسین (۱۳۷۰). *انواع ادبی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۷). "حماسه‌سرایی در ایران پس از حمله‌ی مغول تا ظهور صفویان". *نشریه‌ی تاریخ آیین‌های میراث*، شماره ی ۴۱ (تابستان): ۲۲-۵.
۱۱. ریپکا، یان (۱۳۵۶). *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه‌ی عیسی شهابی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). *انواع ادبی*. تهران: فردوس.
۱۴. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *گنج سخن*. تهران: ققنوس.
۱۵. ----- (۱۳۸۹). *حماسه سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
۱۶. عبادیان، محمد (۱۳۷۹). *انواع ادبی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. غلامرضایی، محمد (۱۳۸۷). *سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*. تهران: نشر جامی.
۱۸. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹). *شاهنامه‌ی فردوسی*، ج ۱. به تصحیح ژول مول. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.